

مقایسه نرخ‌های آموزشی و کیفیت آموزش و پرورش نمونه‌های برتر مدارس دولتی و غیرانتفاعی استان چهارمحال و بختیاری^۱

* محمد ربیعی

** رضوان صالحی

چکیده

هدف از مقاله حاضر، مقایسه کیفیت آموزش و پرورش مدارس دولتی و غیرانتفاعی استان چهارمحال و بختیاری بوده است که در دو بخش کمی و کیفی صورت پذیرفته است. در بخش کمی، برای محاسبه نرخهای آموزشی، دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در یک دوره ۶ ساله مورد مطالعه قرار گرفتند که جامعه و نمونه برابر بودند. در بخش کیفی، ۸ مدرسه راهنمایی و متوسطه به صورت هدف‌دار انتخاب شدند و ۷۶ دانش‌آموز و ۷۴ معلم به صورت نمونه‌گیری در دسترس، در این تحقیق شرکت کردند.

پرسشهای پژوهش به بررسی نرخ ثبت‌نام دانش‌آموزان، نرخ قبولی و مردودی، نرخ ماندگاری و ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی می‌پردازد.

۱ - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۶/۱۴ تاریخ آغاز بررسی مقاله: ۱۳۸۵/۷/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۴/۲۰

دانشجوی دکتری مشاوره - گرایش تحصیلی شغلی - دانشگاه اصفهان. ای‌میل: rabieimo@yahoo.com

کارشناس ارشد مشاوره، مدرس دانشگاه آزاد شهر کرد. ای‌میل: rezvansalehi53@yahoo.com

فرضیه‌های پژوهش به بررسی میزان سلامت روانی معلمان، میزان رضایت دانش‌آموزان و ویژگیهای معلمان مدارس دولتی و مدارس غیرانتفاعی اختصاص یافته است.

ابزار پژوهش در بخش کمی، پرسشنامه ۲۸ سوالی سلامت عمومی روان، آزمون ۲۱ سوالی ارزیابی شخصیت آیزینگ و آزمون ۲۴ سوالی رضایت مراجع است که از روایی و پایایی مناسب برخوردارند. در بخش کیفی چهار پژوهشگر آموزش دیده ضمن حضور، در مدارس و مشاهده وضعیت، با افراد مصاحبه کردند. یافته‌های پژوهش عبارتند از:

۱. میان میزان سلامت روانی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود ندارد.

۲. دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی از کیفیت خدمات ارائه شده در این مدارس راضی‌تر از دانش‌آموزان مدارس دولتی هستند.

۳. میان ویژگیهای فردی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود ندارد.

۴. نرخ ثبت نام در مدارس دولتی در هر سه مقطع بیشتر از مدارس غیرانتفاعی می‌باشد.

۵. نرخ قبولی و نرخ ماندگاری در مدارس غیرانتفاعی در هر سه مقطع بیشتر از مدارس دولتی است.

۶. نتایج حاصل از مشاهده و مصاحبه نشان داده که کیفیت فضای آموزشی و کلاسها، برنامه صبحگاهی، فعالیتهای انجمن اولیا و مربیان و برگزاری امتحانات در مدارس دولتی بهتر از مدارس غیرانتفاعی بوده است، اما کیفیت رابطه اولیا با مدرسه، کیفیت درس و ورزش و آزمایشگاهها در مدارس غیرانتفاعی از مدارس دولتی بهتر است.

کلیدواژه‌ها: کیفیت آموزش و پرورش، مدارس دولتی، مدارس غیرانتفاعی

مقدمه

آموزش و پرورش در حکم مهمترین نهاد اجتماعی در ایفای رسالت خویش نیازمند بکارگیری منابع فکری، مالی، حمایتی و معنوی قابل توجهی است که تأمین آن به شرایط فرهنگی و نگرش جامعه به ویژه مدیران ارشد و تصمیم‌گیرندگان کشور بستگی دارد. از جمله تغییرات و رویدادهای مهمی است که نظام آموزشی کشور ما در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی تجربه کرده فعالیت مدارس غیرانتفاعی در کنار مدارس دولتی، است. این مدارس، زیر نظر وزارت آموزش و پرورش کشور، مطابق با اهداف و سیاست‌های آن اما با مشارکت مالی مردم اداره می‌شوند. مدارس غیرانتفاعی با وجود فرض‌ها و اصول زیر بنایی قوانین مربوط به آنها، برای آزادسازی بخشی از هزینه‌های آموزش و پرورش از طریق واگذاری آنها به خانواده‌های مرفه شکل گرفت که هدف آن رسیدگی بیشتر به فرزندان خانواده‌های غیرمرفه و در نتیجه ارتقای سطح آموزش و پرورش با تکیه بر توان مردم در خصوص آموزش متوسطه و رسمیت یافتن در مدارس عالی صورت گرفت (عباس‌زاده، ۱۳۷۹).

مدارس غیرانتفاعی که تعداد آنها هر سال نسبت به سالهای پیش رو به فزونی است، بر حسب تعریف آن در قانون مربوطه، مدارس هستند که زیر نظر وزارت آموزش و پرورش کشور، مطابق با اهداف و سیاست‌های آن و با مشارکت مالی مردم اداره می‌شوند. گرچه به نظر بسیاری نام «غیرانتفاعی» چندان هم با مسما نیست، با این حال فرض بر این است که از نفع‌طلبی یا حداقل از اولویت آن به دور است و در لیست سیاست و خط‌مشی آموزش و پرورش کشور عمل کنند. به همین جهت، صدور مجوز تأسیس آنها با آموزش و پرورش است که با بررسی‌های نسبتاً مفصل انجام می‌پذیرد. همچنین آموزش و پرورش کشور وظیفه نظارت بر آنها را به عهده دارد. پس از انقلاب اسلامی، سیاستگذاران نظام آموزشی با تمسک به آرای صاحب نظران اقتصاد آموزش و پرورش، بر این عقیده شده‌اند که وزارت آموزش و پرورش بدون یاری جستن از مشارکت‌های مردمی نمی‌تواند بارگران نظام آموزشی را بر دوش گیرد. به منظور خصوصی‌سازی و با تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی از سوی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۷، مردم (افراد حقیقی و حقوقی) امکان آن را یافتند که اقدام به تأسیس مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی بنمایند (خانقاهی، ۱۳۷۶).

در حال حاضر در کشورهای دارای اقتصاد آزاد، نظیر اروپای غربی و آمریکا، شکل ترکیبی مدارس، یعنی مدارس غیر دولتی در کنار مدارس دولتی به چشم می‌خورد (هادجی^۱، ۱۹۹۷؛ بریج هاوس^۲، ۲۰۰۱). این وضعیت که در اغلب کشورهای دیگر نیز وجود دارد (برای مثال لازی بیلی و پنگ تان^۳، ۲۰۰۳) زمینه ساز رقابت میان مدارس دولتی و غیر دولتی گشته است. تأکیده‌های آموزشی در مدارس خصوصی کشورهایی نظیر ایالت متحد آمریکا، بر اساس مؤسسات و سازمانهای بانی تا اندازه‌ای با یکدیگر تفاوت دارند (فردکین و توماس^۴، ۱۹۹۷). این تفاوت در تأکید مؤسسات آموزشی خصوصی بر مبانی اجتماعی، مذهبی، آموزشی متفاوت، طیف متنوع و وسیع مدارس خصوصی با عملکردهای متفاوت را پدید می‌آورد. چنانچه فردکین و توماس (۱۹۹۷) اشاره کرده‌اند، آموزش و پرورش خصوصی، بجز در مواردی که دانش‌آموزان آن به امکانات و شرایط آموزشی مطلوبتر نسبت به برخی از مدارس دولتی، دسترسی داشته باشند (یا حتی دسترسی نداشته باشند)، مزیت چندانی نسبت به مدارس یا دانشگاههای دولتی ندارد.

اپلی و رومانو (۱۹۹۸)، به نقل از گل پرور، (۱۳۸۲) که رقابت میان مدارس خصوصی و دولتی را در ایالت متحد آمریکا مورد تحلیل دقیق آماری و ریاضی قرار داده‌اند، (این مطالعه بر اساس اطلاعات و آمار کلی مدارس خصوصی و دولتی در ایالات متحد آمریکا انجام شده است)، به این نتیجه دست یافتند که میان کیفیت مدارس خصوصی و اندازه آنها همبستگی منفی وجود دارد. یعنی هر چه اندازه مدارس در ایالت متحد آمریکا کوچک‌تر باشد، شرایط تحصیلی آموزشی و کیفیت آموزش خواهد بود.

در بسیاری از کشورها، برخی از مدارس خصوصی با امکانات و آموزش مطلوب، توجه افراد جامعه خود را جلب کرده‌اند و از نظر آموزشی، نگرشی مثبت در میان آنان نسبت به خود پدید آورده‌اند، اما برخی دیگر از این مدارس نیز با عملکرد ضعیف، موجبات نگرشهای متعدد و متفاوت افراد جامعه را فراهم کرده‌اند. حتی در کشورهایی که اکنون مدارس غیردولتی در کنار مدارس دولتی فعالیت می‌کنند، چالشها و مناظره‌ها و بحثهای فراوان بر سر اثر بخشی این گونه مدارس به چشم می‌خورد (وینکلر و گرش برگ^۵، ۲۰۰۰). اسکالر^۶ (۱۹۷۹) همچنین توجه و

-
- 1- Hodge
 2. Brighthouse
 3. Lassibille & Pengtan
 4. Friedkin & Thomas
 - 5- Winkler & Grshberg
 6. Schaller

رسیدگی فعال تر مدرسه و خانواده‌ها را به دانش‌آموزانی که به مدارس خصوصی می‌روند از عوامل مؤثر بر رشد پرورشی دانش‌آموزان بسیاری از مدارس خصوصی نسبت به مدارس دولتی بر می‌شمرد.

در ایران نگرشها و نظرات درباره مدارس غیرانتفاعی با توجه به شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی، نسبت به کشورهای دیگر متفاوت است. شهرت مدارس غیرانتفاعی به باور پژوهشگرانی چون قاسمی‌پویا (۱۳۸۰) چه به دلیل گزینشی بودن دانش‌آموزان و چه به سبب شرایط مناسب عوامل آموزشی و پرورشی آنها، در این است که افت تحصیلی را به حداقل می‌رسانند. در ایران از آغاز پیدایش مدارس غیرانتفاعی واکنشهایی متفاوت در میان اقشار اجتماعی متفاوت به وجود آمده است. این واکنشها به اشکال متفاوت در افکار عمومی و در برخی از مطبوعات منعکس شده‌اند. قاسمی‌پویا (۱۳۸۰) اظهار می‌دارد که آموزش و پرورش چندان نظر موافقی نسبت به این مدارس ندارد. این مسئله در بسیاری از پژوهشها و اظهار نظرهای داخلی منعکس شده است. برای مثال در بررسی قاسمی‌پویا (۱۳۸۰) وحاضری (۱۳۷۷) مهم‌ترین نگرش منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی، پیامدهای نامناسب اجتماعی و فرهنگی ذکر شده و آن را با جامعه عدالت خواه امروزی کشور ایران سازگار ندانسته‌اند. اغلب مردم در برخی از پژوهشها بر این باور بوده‌اند که درآمد حاصل از این نوع مدارس برای وزارت آموزش و پرورش در مقایسه با نگرشهای منفی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناخوشایندی که داشته است، چندان قابل توجه نیست. حیدری (۱۳۷۶) به نقل از یکی از مدیران کل وزارت آموزش و پرورش اظهار می‌دارد. که نگرش مردم ما نسبت به مدارس غیرانتفاعی بدبینانه است. از این رو افراد خیر از ارائه کمک و مساعدت به آنها با چنین اسمی پرهیز می‌کنند، زیرا بسیاری از مؤسسان این گونه مدارس با نیت انتفاع و بهره جستن از آن به این امر اقدام کرده‌اند (فرهنگ مشارکت، ۱۳۷۴).

حج فروش و وثوق (۱۳۷۴) نیز در بررسی خود، درباره نگرشهای افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی، عنوان می‌کنند که افراد جامعه بر این باورند که مدارس غیرانتفاعی ویژه فرزندان اقشار مرفه است و این مدارس سبب طبقاتی شدن آموزش و پرورش شده است. شریفی (۱۳۷۱) نیز نقل می‌کند که این نگرش وجود دارد که ایجاد مدارس غیرانتفاعی از نظر آموزشی مشکلی به وجود نمی‌آورد، بلکه از نظر اجتماعی و روانی در برابر دانش‌آموز با استعداد محروم از امکانات اقتصادی، نوعی بی عدالتی به وجود می‌آورد. البته بر اساس برخی پژوهشها (از جمله

قاسمی‌پویا، ۱۳۸۰) مشخص شده است که مدارس غیرانتفاعی که از سوی مؤسسه‌های فرهنگی، خیریه، نهادها، دستگاههای اجرایی، اوقاف، سپاه و نظایر آن دایر شده است، دارای اعتبار دارند.

این نگرشها و نظرات مثبت نسبت به مدارس غیرانتفاعی به این علت است که در این نوع مدارس، مفهوم غیرانتفاعی بیشتر مورد نظر است و در برخی موارد اکثر دانش‌آموزان به رایگان تحصیل می‌کنند. به هر حال، اکثر افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی به سبب عوارض ناخوشایند اجتماعی و فرهنگی و آموزشی آن، نظر مخالف دارند.

امروزه وجود مدارس غیرانتفاعی با توجه به امکانات اقتصادی دولت ضرورتی انکارناپذیر است. اعتبارات جاری و عمرانی آموزش و پرورش کشور از ۱۷/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۵/۳۲ درصد در سال ۱۳۸۰ مشکلات بسیار را برای آموزش و پرورش ایجاد کرده است. این در حالی است که هم اکنون وجود ۹۴۳۷ مدرسه و آموزشگاه غیرانتفاعی توانسته است که هزینه‌های آموزش و پرورش دولتی را کاهش دهد. مدارس غیرانتفاعی در شرایط فعلی کشور ما، به علت محدودیت منابع مالی آموزش و پرورش که ناشی از افزایش جمعیت دانش‌آموزان، تورم و کاهش در آمد دولت است بر پا شده و راهی برای جلب منابع مالی از جانب مردم است. گرچه جلب منابع مالی برای آموزش و پرورش می‌تواند راههای دیگری هم داشته باشد، اما وجود مدارس غیرانتفاعی راه‌حلی عملی و ممکن است. شناخت نقاط ضعف این مدارس و افزایش کیفیت خدمات آنها می‌تواند اعتماد بیشتر مردم را جلب کند و مشارکت آنها را افزایش و بار مالی دولت را کاهش دهد (عباس‌زاده، ۱۳۷۹).

در چند سال اخیر ایجاد و گسترش مدارس نمونه مردمی و غیرانتفاعی و فعالیت آنها در کنار مدارس دولتی، سؤالات و ابهاماتی را در زمینه تحقق یافتن اهداف نظام آموزشی مطرح ساخته است (خانقاهی، ۱۳۷۶). همچنین غیرانتفاعی کردن، کیفیت آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجایی که مردم با فراهم آوردن هزینه این مدارس به صورت پرداخت شهریه، در ایجاد و پابرجایی آنها سهیم هستند، در قبال آنها بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند و در زندگی عادی آنها بیشتر حضور دارند. معلمان و مسئولان نیز چون منابع مالی خود را به طور مستقیم از والدین دریافت می‌کنند بنابراین، نسبت به جلب رضایت والدین و دانش‌آموزان، بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند و بیش از مدارس دولتی که رابطه تأمین هزینه از جانب والدین و مدیران و

معلمان مدرسه، به صورت غیرمستقیم است پاسخگو هستند و ناگزیر موجب تأمین هر چه بیشتر خواسته‌ها و انتظارات والدین می‌شوند.

از آنجا که کیفیت مستلزم انتخاب و انتخاب هم مستلزم خصوصی‌سازی برای ایجاد تنوع است (پرینگ^۱، ۱۹۸۷) بنابراین مدارس غیرانتفاعی در کل، موجب تأمین هر چه بیشتر انتظارات والدین و دانش‌آموزان و در نهایت ارتقای سطح کیفی آموزش و پرورش می‌شود.

از مدارس غیرانتفاعی می‌توان برای بنای الگوی تغییرات مناسب برای شکستن روال عادی و سنتی نامطلوب موجود در مدارس استفاده کرد. در این الگو هماهنگی فعالیت‌های آموزش با اهداف تعلیم و تربیت، اعمال مدیریت آموزشی مناسب، گزینش روش‌های مناسب تدریس، ارزشیابی رشد دانش‌آموزان به جای سنجش محفوظات آنان، هدایت تحصیلی، شغلی، جسمانی، اخلاقی، عقلانی، روحی و روانی و معنوی دانش‌آموزان، نظارت در راهنمایی مربیان و اجرای صحیح قوانین مصوب از عوامل اساسی محسوب می‌شوند (برنجی، ۱۳۶۷).

با وجود ویژگیهای مثبتی که مدارس غیرانتفاعی دارند، این مدارس با انتقادهای متفاوت از سوی والدین، مربیان و معلمان نیز مواجه است که بعضی از آنها بیانگر نکاتی جدی و حساس هستند. یکی از این مسائل مطرح شده کیفیت آموزش و پرورش در این مدارس است. آیا واقعا تفاوت چشمگیری میان کیفیت آموزش و پرورش در مدارس غیرانتفاعی و دولتی وجود دارد؟ آیا کیفیت تدریس، ویژگی‌های معلمان، کیفیت برنامه درسی، امکانات آموزشی و پرورشی در این مدارس متفاوت است. اینها مسائلی است که این پژوهش به آنها پرداخته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به دو روش توصیفی و کیفی انجام یافته است. در بخش نخست، نرخ‌های تحصیلی، مقایسه سلامت روانی معلمان مدارس غیرانتفاعی و دولتی، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و همچنین میزان رضایت دانش‌آموزان از هرکدام از مدارس با روش توصیفی بررسی شده است. پژوهش‌های توصیفی آنچه را هست توصیف و تفسیر می‌کنند و به شرایط یا ضوابط موجود، عقاید متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارند. توجه این پژوهش معطوف به زمان حال است، اما رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط

موجود مربوط می‌شوند، مورد توجه قرار داده است. (گال و همکاران، ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۸۳).

بخش دوم پژوهش با روش کیفی انجام یافته است. پژوهش کیفی عبارت است از مجموعه فعالیتهایی (همچون مشاهده، مصاحبه، شرکت گسترده در فعالیتهای پژوهشی) که هرکدام به نحوی پژوهشگر را درکسب اطلاعات دست اول درباره موضوع مورد پژوهش یاری می‌دهند. برخی از پژوهشگران کیفی، روش کمی علم را مردود می‌شمارند، زیرا معتقدند که پیروی از علوم فیزیکی اشتباه است و رفتار آدمی با موضوعات مورد بحث پژوهشگران فیزیک متفاوت است. این عده باور دارند که ارائه و آزمون نظریه‌های انتزاعی با بهره‌گیری از کمیت، موجب دور شدن پژوهشگر از واقعیت می‌شود و پژوهش را صرفاً به نظریه محدود می‌کند. تعریف و استناد به روش‌های کمی مانع درک صحیح دانشمند از تجربه‌های درونی یا موارد غیرقابل مشاهده می‌شود (دلور، ۱۳۸۲).

همانگونه که ذکر شد بخشی از پژوهش حاضر به روش کیفی صورت گرفته زیرا پژوهش کیفی دارای مزایایی همچون مشاهده رفتار در وضعیت طبیعی، عمق ادراک و انعطاف‌پذیری است. در بخش مشاهده از چند نفر مشاهده کننده، که قبلاً آموزش دیده‌اند، استفاده شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش برای برآورد نرخهای آموزشی، دانش‌آموزان سالهای تحصیلی ۸۳-۷۷ یعنی شش سال تحصیلی پی در پی است. نمونه‌گیری در قسمت مقایسه کیفیت مدارس به صورت هدفدار بوده است. دلیل عدم نمونه‌گیری تصادفی این بوده که در مقایسه کیفی مدارس لازم بود مدارس انتخاب شوند که همگن هستند، یعنی بهترین مدرسه غیرانتفاعی و بهترین مدرسه دولتی که سنخیت داشته باشد. بدیهی است که کیفیت بهترین مدرسه غیرانتفاعی را با ضعیف‌ترین مدرسه دولتی نمی‌توان مقایسه کرد، بنابراین با نظرخواهی از اعضای آموزش و پرورش، از میان بهترین مدرسه‌ها هشت مدرسه راهنمایی و متوسطه انتخاب شدند. که عبارت بودند از: چهار مدرسه در مقطع متوسطه، شامل دو مدرسه غیرانتفاعی پسرانه و دخترانه و دو مدرسه دولتی دخترانه و پسرانه و چهار مدرسه در مقطع راهنمایی که شامل مدرسه غیرانتفاعی و دولتی دخترانه و دو مدرسه غیرانتفاعی و دولتی پسرانه. برای بررسی میزان رضایت دانش‌آموزان دونوع مدرسه، ۷۶ دانش‌آموز

در دسترس انتخاب شدند که ۲۸ نفرشان از مدارس غیرانتفاعی و ۴۸ نفرشان از مدارس دولتی بودند. همچنین برای بررسی ویژگی‌های روانی و شخصی معلمان از دو نوع مدرسه، ۷۴ نفر از معلمان (۲۸ معلم مدرسه غیرانتفاعی و ۴۶ معلم مدرسه دولتی) انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

برای مقایسه نرخهای تحصیلی در دو نوع مدرسه از آمار قبولی‌ها، مردودی‌ها، عده ثبت‌نام شدگان، عده فارغ التحصیلان و ... استفاده شد. برای مقایسه کیفیت از ابزارهای زیر استفاده شد:

الف پرسشنامه سلامت عمومی روان (G.H.Q)

این پرسشنامه دارای ۲۸ پرسش است که به بررسی وضعیت بهداشت روانی فرد در یک ماه اخیر می‌پردازد. پرسشنامه سلامت عمومی، یک پرسشنامه سرنبدی مبتنی بر روش خود گزارش‌دهی است که در مجموعه‌های بالینی با هدف ردیابی کسانی که دارای یک اختلال روانی هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. حداقل نمره فرد در این پرسشنامه صفر و حداکثر نمره ۸۴ است که، نمره بالاتر از ۲۱ نشانه عدم برخورداری از سلامت عمومی روان است. مطالعات حاکی از پایانی بالای پرسشنامه GHQ28 است. مثلاً چونگ و اسپیررز (۱۹۹۸) ضریب پایانی باز آزمایشی پرسشنامه GHQ28 را برابر با ۰/۵۵ گزارش کرده‌اند. در ایران پالاهنگ و همکاران (۱۳۷۵) در بررسی همه‌گیر شناسی اختلال‌های روانی، اعتبار این پرسش‌نامه را با بهره‌گیری از روش بازآزمایی با فاصله زمانی، ۹۱٪ به دست آورده‌اند.

گلدبرگ و مری (۱۹۹۸) نتایج مربوط به هفت مطالعه انجام شده در زمینه روایی GHQ از مناطق متفاوت دنیا را با وزنی که برای واریانس مربوط به روایی‌های برآورد شده قائل شده‌اند فرا تحلیل کرده و میانگین حساسیت ویژگی GHQ را به ترتیب برابر ۰/۸۴ و ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. در ایران پالاهنگ (۱۳۷۵) در رواسازی این پرسشنامه روی ۶۸۹ نفر از ساکنان بالاتر از ۱۵ سال شهر کاشان حساسیت، ویژگی، کارایی و میزان اشتباه طبقه بندی این دو گروه مردان را به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۸ و ۰/۸۱۴ و ۰/۱۹ و برای زنان را به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۹ و ۰/۸۴ و ۰/۱۶ گزارش کرده است.

ب) تست ارزیابی شخصیت آیزنک

این آزمون دارای ۲۱ پرسش است و پاسخها روی مقیاسی ۷ درجه‌ای داده می‌شوند. هر پرسش یک ویژگی فردی را می‌سنجد. این آزمون افراد را به دو گروه درون‌گرا و برون‌گرا تقسیم می‌کند. حداقل نمره در این تست ۲۱ و حداکثر ۱۴۷ است که نمره بالاتر نشان دهنده برون‌گرایی و نمره پایین‌تر نشان دهنده درون‌گرایی است.

ج) آزمون رضایت مراجع

این آزمون که برای سنجش رضایت دانش‌آموزان از خدمات مدارس استفاده شده دارای ۱۴ پرسش است که پاسخ‌دهنده در بعضی از پرسشها گزینه عالی، خوب یا متوسط و در بعضی از سوالات گزینه خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم را انتخاب می‌کند. حداکثر نمره این آزمون ۵۹ و حداقل نمره ۱۴ است، نمره بالاتر نشان دهنده رضایت بالاتر و نمره پایین‌تر نشان دهنده رضایت کمتر یا عدم رضایت است.

این آزمون اقتباس شده از کلیفورد و اتکینسون بوده است. در آزمون اصلی اعتبار آن با ضریب آلفا میان ۸۶٪ تا ۹۴٪ از چند پژوهش از هماهنگی عالی برخوردار است. همچنین این پرسشنامه از روایی همزمان بسیار خوب برخوردار است. این آزمون با انجام دادن تغییراتی در آزمون اصلی و افزودن چند پرسش، برای جامعه فعلی از همسانی درونی بالا برخوردار است.

د) مشاهده

در قسمت کیفی پژوهش چهار همکار پژوهشگر پس از گذراندن دوره آموزشی به مدارس مراجعه کرده و به مشاهده چگونگی برگزاری امتحان، فضای فیزیکی، برگزاری درس ورزش، کیفیت آزمایشگاه و نحوه ارتباط اولیا با مدرسه پرداخته‌اند.

روش تجزیه و تحلیل آماری

روش آماری پژوهش شامل آمار توصیفی بوده و برای مقایسه تفاوت دو نوع مدرسه دولتی و غیرانتفاعی از آزمون t مستقل استفاده شده است. عملیات آماری با بهره‌گیری از نرم افزار spss صورت گرفته است.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا یافته‌های مربوط به مقایسه نرخ‌های تحصیلی آورده شده سپس به مقایسه کیفیت پرداخته شده است. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه نرخهای گذر تحصیلی و جریان تحصیلی دانش‌آموزانی که شامل تعداد قبولی‌ها، مردودی‌ها، ثبت نام کنندگان هر سال تحصیلی، شرکت‌کنندگان در امتحانات، افراد ترک تحصیل‌کننده و تعداد فارغ‌التحصیلان (دوره ابتدایی پس از ۵ سال و بیش از ۵ سال راهنمایی ۳ سال و یا بالاتر از ۳ سال و متوسطه ۳ سال یا بیشتر) بوده است، از واحد آمار و اطلاعات سازمان آموزش و پرورش اخذ شده و پس از جمع‌بندی و خلاصه کردن و تفکیک به جنس و سال تحصیلی و . . . در فرمولهای مربوط قرار گرفته و مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

بخشی از این بررسیها درباره نرخ ثبت‌نام بوده است. به همین دلیل ابتدا عده افراد که در مقاطع مختلف تحصیلی در مدارس دولتی و غیردولتی ثبت‌نام کرده‌اند محاسبه شده است، سپس تعیین شده که چند درصد از این افراد در یک سال تحصیلی خاص در پایه تحصیلی خاص در مدارس دولتی ثبت‌نام کرده‌اند یا مدارس غیرانتفاعی.

با توجه به اینکه کل جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته و از جدولها و فرمولهای آمار توصیفی برای تعیین درصدها و نسبتها و رسم جدولها بهره‌گیری شده است و نیز اغلب آمار استنباطی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مطالعه کامل جامعه مقدور نبوده و از روشهای نمونه‌گیری استفاده شده باشد (جهت تخمین پارامترهای جامعه از روی نمونه و تعمیم یافته‌های نمونه به جامعه)، اما در این بخش از پژوهش به دلیل استفاده از کل جامعه به عنوان نمونه آماری، نیازی به بهره‌گیری از روشهای آمار استنباطی وجود نداشته و در برخی از موارد دشوار بوده، لذا برای مقایسه برخی از نسبتها، یا استفاده از خود نسبتهای به دست آمده به بررسی مقایسه میان آنها پرداخته شده است.

۱. نرخ ثبت نام دانش‌آموزان ابتدایی در مدارس دولتی و غیرانتفاعی به چه میزانی است؟

داده‌های مربوط به این سؤال به تفکیک دوره تحصیلی در یک دوره شش ساله در جدولهای

شماره ۱، ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول ۱. نرخ ثبت نام دانش آموزان دوره ابتدایی در مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس و پایه تحصیلی

جنس	پایه نوع مدرسه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	جمع
پسر	دولتی	٪۹۷/۷	٪۹۷/۹	٪۹۸/۱	٪۹۸/۱	٪۹۸	٪۹۸
	غیرانتفاعی	٪۲/۳	٪۲/۱	٪۱/۹	٪۱/۹	٪۲	٪۲
دختر	دولتی	٪۹۸/۹	٪۹۹	٪۹۹/۱	٪۹۹	٪۹۸/۹	٪۹۹
	غیرانتفاعی	٪۱/۱	٪۱	٪۰/۹	٪۱	٪۱/۱	٪۱
جمع	دولتی	٪۹۸/۳	٪۹۸/۴	٪۹۸/۶	٪۹۸/۶	٪۹۸/۴	٪۹۸/۵
	غیرانتفاعی	٪۱/۶	٪۱/۶	٪۱/۴	٪۱/۴	٪۱/۶	٪۱/۵

داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که نرخ ثبت نام دانش‌آموزان دوره ابتدایی در یک دوره ۶ ساله در مدارس دولتی ۹۸/۵ درصد بوده، در حالی که این نرخ برای مدارس غیرانتفاعی ۱/۵ درصد بوده است. همچنین نرخ ثبت نام دانش‌آموزان پسر در مدارس غیرانتفاعی دوره دبستان ۲ درصد بوده که ۲ برابر نرخ ثبت نام دانش‌آموزان دختر در مدارس ابتدایی غیرانتفاعی بوده است. همچنین در تمام پایه‌های ابتدایی نرخ ثبت نام دانش‌آموزان پسر در مدارس غیرانتفاعی نسبت به دانش‌آموزان دختر بیشتر بوده است. بنابراین با توجه به داده‌های جدول درصد بسیار پایینی از دانش‌آموزان دوره ابتدایی جذب مدارس غیرانتفاعی شده‌اند.

جدول ۲. نرخ ثبت نام دانش آموزان دوره راهنمایی مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس و پایه تحصیلی

جنس	پایه نوع مدرسه	اول	دوم	سوم	جمع
پسر	دولتی	٪۹۵/۸	٪۹۶	٪۹۵/۸	٪۹۵/۸
	غیرانتفاعی	٪۴/۲	٪۴	٪۴/۲	٪۴/۲
دختر	دولتی	٪۹۸/۷	٪۹۸/۷	٪۹۸/۵	٪۹۸/۷
	غیرانتفاعی	٪۱/۳	٪۱/۳	٪۱/۵	٪۱/۳
جمع	دولتی	٪۹۷/۱	٪۹۷/۲	٪۹۷	٪۹۷/۱
	غیرانتفاعی	٪۲/۹	٪۲/۸	٪۳	٪۲/۹

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که نرخ ثبت نام دانش‌آموزان دوره راهنمایی در یک دوره ۶ ساله در مدارس دولتی ۹۷/۱ درصد و در مدارس غیرانتفاعی ۲/۹ درصد بوده و نرخ ثبت نام پسران در مدارس غیرانتفاعی در حدود ۲/۹ درصد بیشتر بوده است. همچنین نرخ ثبت نام دانش‌آموزان دوره راهنمایی در پایه سوم در حدود ۲٪ بیشتر از سایر پایه‌ها بوده است.

جدول ۳. نرخ ثبت نام دانش‌آموزان پایه اول متوسطه مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس

جنس	نوع مدرسه	نرخ ثبت نام
پسر	دولتی	۹۵/۶٪
	غیرانتفاعی	۴/۴٪
دختر	دولتی	۹۷/۹٪
	غیرانتفاعی	۲/۱٪
جمع	دولتی	۹۶/۷٪
	غیرانتفاعی	۳/۳٪

با توجه به جدول شماره ۳ نرخ ثبت نام دانش‌آموزان پایه اول متوسطه نظری در مدارس دولتی (در یک دوره ۶ ساله) برای مدارس دولتی ۹۶/۷ درصد بوده است در صورتی که این نرخ برای مدارس غیرانتفاعی ۳/۳ بوده است. همچنین نرخ ثبت نام دانش‌آموزان پسر نیز در پایه اول مقطع متوسطه بیشتر از ۲ برابر نرخ ثبت نام دانش‌آموزان دختر در و حدود ۴/۴ درصد بوده است. ۲. نرخ قبولی و مردودی دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی به چه میزانی است؟ داده‌های مربوط به این سوال در جدولهای شماره ۴، ۵ و ۶ آورده شده است.

جدول ۴. نرخ قبولی و مردودی دانش‌آموزان دوره ابتدایی مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس و پایه تحصیلی

جمع		دختر		پسر		جنس	پایه تحصیلی
غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	نوع مدرسه شاخص	اول
%۹۹/۵	%۹۲	%۸	%۹۲	%۹۹/۵	%۹۲	نرخ قبولی	
%۰/۵	%۸	%۰/۵	%۹۹/۵	%/۵	%۸	نرخ مردودی	
۱۲/۹		۷/۳		۱۰/۶		Z محاسبه شده	
%۹۹/۹	%۹۵/۵	%۱۰۰	%۹۶	%۹۹/۸	%۹۵	نرخ قبولی	دوم
%۰/۱	%۴/۵	۰	%۴	%/۰۲	%۵	نرخ مردودی	
۹/۴		۵		۸/۱		Z محاسبه شده	
%۹۹/۹	%۹۶/۷	%۱۰۰	%۹۷/۴	%۹۹/۸	%۹۶	نرخ قبولی	سوم
%/۰۱۰	%۳/۳	۰	%۲/۶	%/۰۲	%۴	نرخ مردودی	
۸/۲		۳/۹		۷/۱		Z محاسبه شده	
%۹۹/۸	%۹۶/۳	%۱۰۰	%۹۷/۲	%۹۹/۷	%۹۵/۵	نرخ قبولی	چهارم
%/۰۲	%۳/۷	۰	%۲/۸	%/۰۳	%۴/۵	نرخ مردودی	
۸/۵		۴/۴		۷/۶		Z محاسبه شده	
%۹۹/۸	%۹۸/۱	%۹۹/۸	%۹۸/۶	%۹۹/۷	%۹۷/۷	نرخ قبولی	پنجم
%/۰۲	%۱/۹	%/۰۲	%۱/۴	%/۰۳	%۲/۳	نرخ مردودی	
۵/۹		۲/۷		۵/۲		Z محاسبه شده	
%۹۹/۸	%۹۵/۷	%۹۹/۱	%۹۶/۳	%۹۹/۷	%۹۵/۳	نرخ قبولی	جمع
%/۲	%۴/۳	%/۰۹	%۳/۷	%/۰۳	%۴/۷	نرخ مردودی	
۲۰/۸		۱۱		۱۷/۵		Z محاسبه شده	

جدول شماره ۴ نشان داده که نرخ قبولی دوره ابتدایی از سال ۸۳-۱۳۷۷ برای مدارس دولتی ۹۵/۷٪ بوده و این نرخ برای مدارس غیرانتفاعی ۹۹/۸٪ بوده است. همچنین نرخ قبولی مدارس دولتی دوره ابتدایی برای دانش‌آموزان پسر ۹۵/۳ درصد و مدارس غیرانتفاعی ۹۹/۷ درصد بوده است و این نرخ برای دانش‌آموزان دخترمدارس دولتی ۹۶/۳ درصد و برای مدارس غیرانتفاعی ۹۹/۱ درصد بوده است.

نرخ قبولی دختران مدارس غیرانتفاعی در پایه‌های دوم، سوم و چهارم ۱۰۰ درصد بوده است و در تمام پایه‌های ابتدایی در مدارس دولتی و غیرانتفاعی نرخ قبولی دانش‌آموزان دختر بالاتر از دانش‌آموزان پسر بوده است.

با توجه به اینکه نرخ مردودی از تفریق ۱۰۰ درصد نرخ قبولی بدست می‌آید لذا در موارد فوق در صورت افزایش نرخ قبولی، نرخ مردودی کاهش پیدا کرده و برعکس. همچنین با توجه به نتایج کسب شده از آزمون نسبت برای دو جامعه مستقل در تمام پایه‌های ابتدایی Z محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = /05$) از Z جدول (۱/۹۶) بیشتر بود و بیانگر این است که در دوره ابتدایی در تمام پایه‌ها بین نرخهای قبولی و مردودی دانش‌آموزان و نوع مدرسه (دولتی و یا غیرانتفاعی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد و با دقت فراوان در جدول شماره ۴ نتیجه گرفته می‌شود که در مدارس غیرانتفاعی دوره ابتدایی در تمام پایه‌ها و در مجموع نرخ قبولی بیشتر از نرخ قبولی مدارس دولتی می‌باشد و نرخ مردودی مدارس دولتی دوره ابتدایی نسبت به مدارس غیرانتفاعی در دوره مورد بررسی بیشتر بوده است.

جدول ۵. نرخ قبولی و مردودی دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس و پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	جنس	پسر		دختر		جمع
		غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	
۱	نوع مدرسه شاخص					
	نرخ قبولی	٪۸۳	٪۹۹	٪۹۴	٪۹۹/۵	٪۸۸
	نرخ مردودی	٪۱۷	٪۱	٪۶	٪۰/۵	٪۰/۸
	Z محاسبه شده	۲۴/۲		۶/۸		۲۱/۸
۲	نرخ قبولی	٪۸۳	٪۹۹	٪۹۴	٪۱۰۰	٪۸۸
	نرخ مردودی	٪۱۷	٪۱	٪۶	۰	٪۱۲
	Z محاسبه شده	۲۳/۲		۶/۹		۲۰/۸
۳	نرخ قبولی	٪۸۴	٪۹۷	٪۹۴	٪۹۵/۵	٪۸۹
	نرخ مردودی	٪۱۶	٪۳	٪۶	٪۴/۵	٪۱۱
	Z محاسبه شده	۱۹/۲		۱/۸۵		۱۴/۷
۴	نرخ قبولی	٪۸۳	٪۹۸	٪۹۴	٪۹۸	٪۸۸
	نرخ مردودی	٪۱۷	٪۲	٪۶	٪۲	٪۱۲
	Z محاسبه شده	۳۸/۹		۸/۲		۳۳/۵

بر اساس جدول شماره ۵، نرخ قبولی مدارس راهنمایی غیرانتفاعی طی دوره مورد بررسی ۱۰ درصد بالاتر از مدارس دولتی و ۹۸ درصد بوده است و نرخ قبولی دانش‌آموزان پسر مدارس غیرانتفاعی با ۹۸ درصد قبولی، ۱۵ درصد بالاتر از نرخ قبولی دانش‌آموزان پسر مدارس دولتی بوده است. همچنین نرخ قبولی دانش‌آموزان دختر مدارس دولتی ۴ درصد پایین‌تر از دانش‌آموزان دختر مدارس غیرانتفاعی و در حدود ۹۴ درصد بوده است.

نتایج آزمون نشان داده که با اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = /05$) در تمام پایه‌های دوره راهنمایی برای دانش‌آموزان پسر Z محاسبه شده از Z جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده است، بنابراین میان نرخ قبولی مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود دارد و نرخ قبولی دانش‌آموزان پسر مدارس غیرانتفاعی بیشتر از نرخ قبولی دانش‌آموزان پسر مدارس دولتی بوده است. همچنین در

پایه سوم راهنمایی Z محاسبه شده (۱/۸۵) کوچکتر از Z جدول (۱/۹۶) بوده است، بنابراین میان نرخ قبولی دانش‌آموزان دختر پایه سوم مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود ندارد، اما در سایر پایه‌ها تفاوت معنادار وجود دارد و نرخ قبولی مدارس غیرانتفاعی بیشتر است.

جدول ۶. نرخ قبولی و مردودی دانش‌آموزان پایه اول دوره متوسطه مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس

Z محاسبه شده	نرخ مردودی	نرخ قبولی	شاخص نوع مدرسه	جنس
۲۷/۷	٪۳۸/۲	٪۶۱/۸	دولتی	پسر
	٪۱۱/۲	٪۸۸/۸	غیرانتفاعی	
۱۳/۷	٪۱۸/۸	٪۸۱/۲	دولتی	دختر
	٪۲	٪۹۸	غیرانتفاعی	
۲۸	٪۳۰	٪۷۰	دولتی	جمع
	٪۸/۶	٪۹۱/۴	غیرانتفاعی	

با توجه به داده‌های جدول شماره ۶ نرخ قبولی مدارس دولتی ۷۰٪ و در حدود ۲۱ درصد از نرخ قبولی مدارس متوسطه غیرانتفاعی در دوره مورد بررسی پایین‌تر بوده است. همچنین نرخ قبولی دانش‌آموزان دختر مدارس غیرانتفاعی بالاتر از نرخ قبولی دانش‌آموزان پسر مدارس غیرانتفاعی و دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس دولتی بوده است.

بر اساس آزمون، Z محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد از Z جدول بیشتر بوده است، بنابراین تفاوت معنادار میان نرخهای قبولی و مردودی پایه اول متوسطه مدارس دولتی و غیرانتفاعی وجود دارد و بر اساس جدول شماره ۶ نرخ قبولی دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی از نرخ قبولی دانش‌آموزان پایه اول مدارس دولتی بالاتر و نرخ مردودی مدارس غیرانتفاعی از نرخ مردودی مدارس دولتی پایین‌تر است.

۳. نرخهای ماندگاری و ترک تحصیل دانش‌آموزان دولتی و غیر دولتی به چه میزانی

است؟

داده‌های مربوط به این پرسش، برای سالهای تحصیلی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ به تفکیک دوره‌های تحصیلی در جدول‌های شماره ۷، ۸ و ۹ ارائه شده است.

جدول ۷. نرخ ماندگاری و ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس و پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	جنس		پسر		دختر		جمع	
	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی
اول	نوع مدرسه شاخص		دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی
	نرخ ماندگاری		٪۹۷/۸	٪۱۰۰	٪۹۷/۸	٪۱۰۰	٪۹۷/۸	٪۱۰۰
	نرخ ترک تحصیل		٪۲/۲	۰	٪۲/۲	۰	٪۲/۲	۰
	Z محاسبه شده		۵/۸		۳/۹		۶/۹	
دوم	نرخ ماندگاری		٪۹۸/۸	٪۹۸/۴	٪۹۸/۶	٪۱۰۰	٪۹۸/۷	٪۹۹/۸
	نرخ ترک تحصیل		٪۱/۲	٪۱/۶	٪۱/۴	۰	٪۱/۳	٪۰/۲
	Z محاسبه شده		۱/۳		۲/۳		۴/۳	
	نرخ ماندگاری		٪۹۸/۷	٪۸۹	٪۹۸/۷	٪۱۰۰	٪۹۸/۸	٪۹۹/۵
سوم	نرخ ترک تحصیل		٪۱/۳	٪۱/۱	٪۱/۳	۰	٪۱/۲	٪۰/۵
	Z محاسبه شده		۰/۶۸		۲/۷		۲/۷	
	نرخ ماندگاری		٪۹۸/۸	٪۱۰۰	٪۹۸/۹	٪۱۰۰	٪۹۸/۸	٪۱۰۰
	نرخ ترک تحصیل		٪۱/۲	۰	٪۱/۱	۰	٪۱/۲	۰
چهارم	Z محاسبه شده		۴/۱		۲/۷		۳/۱	
	نرخ ماندگاری		٪۹۸/۸	٪۱۰۰	٪۹۸/۹	٪۱۰۰	٪۹۸/۸	٪۱۰۰
	نرخ ترک تحصیل		٪۱/۲	۰	٪۱/۱	۰	٪۱/۲	۰
	Z محاسبه شده		۲/۱		۱/۳		۴/۹	
پنجم	نرخ ماندگاری		٪۹۸/۸	٪۱۰۰	٪۹۸/۹	٪۱۰۰	٪۹۸/۸	٪۱۰۰
	نرخ ترک تحصیل		٪۱/۲	۰	٪۱/۱	۰	٪۱/۲	۰
	Z محاسبه شده		۲/۱		۱/۳		۴/۹	
	نرخ ماندگاری		٪۹۸/۶	٪۹۹/۸	٪۹۸/۶	٪۱۰۰	٪۹۸/۶	٪۹۹/۹
جمع	نرخ ترک تحصیل		٪۱/۴	٪۰/۲	٪۱/۶	۰	٪۱/۴	٪۰/۱
	Z محاسبه شده		۸/۶		۶/۸		۱۱/۲	
	نرخ ماندگاری		٪۹۸/۶	٪۹۹/۸	٪۹۸/۶	٪۱۰۰	٪۹۸/۶	٪۹۹/۹
	نرخ ترک تحصیل		٪۱/۴	٪۰/۲	٪۱/۶	۰	٪۱/۴	٪۰/۱

براساس جدول شماره ۷ نرخ ماندگاری پایه‌های ابتدایی مدارس دولتی در دوره مورد بررسی ۹۸/۶ درصد و نرخ ترک تحصیل ۱/۴ درصد بوده در صورتی که نرخ ماندگاری مدارس ابتدایی غیرانتفاعی ۹۹/۹ درصد و نرخ ترک تحصیل حدود ۰/۱٪ درصد بوده است. همچنین در تمام پایه‌ها نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر در مدارس غیرانتفاعی صفر بوده است. نرخ ترک تحصیل در مدارس ابتدایی در پایه اول بیش از سایر پایه‌های مدارس دولتی بوده است. همچنین نتایج آزمون نشان داده است که میان نرخ ماندگاری (یا ترک تحصیل) مدارس دولتی و غیرانتفاعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنادار وجود دارد (Z محاسبه شده بیشتر از ۱/۹۶ بوده است). بر اساس نتایج آزمون پایه‌های ابتدایی، میان نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان پسر در سطح اطمینان ۹۵ درصد و نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی دولتی و غیرانتفاعی در سطح اطمینان ۹۹ درصد (Z محاسبه شده ۲/۳ و از Z جدول شماره ۷، ۲/۵۸ کوچک‌تر بوده است) تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین میان نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان پسر پایه سوم و دختر پایه پنجم در سطح اطمینان ۹۵ درصد و نوع مدرسه (دولتی یا غیرانتفاعی) تفاوت معنادار وجود ندارد و در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیز میان نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۸. نرخ ماندگاری و ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره راهنمایی مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس و پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	جنس	پسر		دختر		جمع
		غیرانتفاعی	دولتی	غیرانتفاعی	دولتی	
۱	نوع مدرسه شاخص					
	نرخ ماندگاری	٪۹۷/۳	٪۱۰۰	٪۹۷/۴	٪۱۰۰	٪۹۷/۳
	نرخ ترک تحصیل	٪۲/۷	۰	٪۲/۶	۰	٪۲/۷
	Z محاسبه شده	۹/۶	۴/۶	۱۰/۷		
۲	نرخ ماندگاری	٪۹۷/۴	٪۹۹/۵	٪۹۸/۶	٪۱۰۰	٪۹۷/۹
	نرخ ترک تحصیل	٪۲/۶	٪۰/۵	٪۱/۴	۰	٪۰/۱
	Z محاسبه شده	۷/۴	۳/۳	۸/۶		
۳	نرخ ماندگاری	٪۹۷/۵	٪۹۹/۵	٪۹۸/۶	٪۹۹/۱	٪۹۹/۴
	نرخ ترک تحصیل	٪۲/۵	٪۰/۵	٪۱/۴	٪۰/۹	٪۰/۶
	Z محاسبه شده	۶/۹۷	۱/۳	۵/۷		
۴	نرخ ماندگاری	٪۹۷/۴	٪۹۹/۸	٪۹۸/۲	٪۹۸/۷	٪۹۸/۲
	نرخ ترک تحصیل	٪۲/۶	٪۰/۲	٪۱/۸	٪۱/۳	٪۱/۸
	Z محاسبه شده	۱۴/۶	۱/۸۵	۵/۸۷		

بنابر مندرجات جدول شماره ۸ نرخ ماندگاری دوره راهنمایی مدارس دولتی در دوره مورد بررسی ۹۷/۴ درصد و مدارس غیرانتفاعی با ۸٪ بالاترین بوده است. ۹۸/۲ درصد و نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس دولتی ۲/۶ درصد و مدارس غیرانتفاعی ۱/۸ درصد بوده است.

نرخ ماندگاری دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی مدارس غیرانتفاعی در دوره مورد بررسی ۹۹/۸ درصد و در حدود ۱۲ درصد بیش از نرخ ماندگاری دانش‌آموزان پسر مدارس دولتی بوده است. همچنین نرخ ماندگاری دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی غیرانتفاعی در تمام پایه‌ها ۹۸/۷ درصد و نرخ ترک تحصیل ۱/۳٪ بوده است، در حالی که این نرخها برای دانش‌آموزان دختر مدارس دولتی ۹۸/۲ و ۱/۸ درصد بوده است.

نتایج آزمون نیز بیانگر این است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = /05$) میان نرخهای ماندگاری مدارس دولتی و غیرانتفاعی در مجموع و برای دانش‌آموزان پسر تفاوت معنادار وجود دارد، در صورتی که میان نرخ ماندگاری (با ترک تحصیل) دانش‌آموزان دختر مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود ندارد. Z محاسبه شده برای مقایسه تفاوت میان نرخ ماندگاری مدارس راهنمایی دولتی و غیرانتفاعی ۱/۸۵ و Z جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد ۱/۹۶ بوده است.

نتایج آزمون نشان داده است که در پایه اول و دوم میان نرخ ترک تحصیل (یا ماندگاری) مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود دارد و نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس دولتی در هر دو جنس و در مجموع بیش از نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی و نرخ ماندگاری مدارس غیرانتفاعی بیشتر بوده است. در صورتی که در پایه سوم میان نرخهای ماندگاری (یا ترک تحصیل) دانش‌آموزان دختر مدارس راهنمایی دولتی و غیرانتفاعی در سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۹. نرخ ماندگاری و ترک تحصیل دانش‌آموزان پایه اول متوسطه مدارس دولتی و غیرانتفاعی به تفکیک جنس

جنس	شاخص نوع مدرسه	نرخ ماندگاری	نرخ ترک تحصیل	Z محاسبه شده
پسر	دولتی	٪۹۵/۵	٪۴/۵	۱۰/۵
	غیرانتفاعی	٪۹۹/۲	٪۰/۸	
دختر	دولتی	٪۹۸/۱	٪۱/۹	۳/۰۶
	غیرانتفاعی	٪۹۹/۴	٪۰/۶	
جمع	دولتی	٪۹۷	٪۳	۲/۹
	غیرانتفاعی	٪۹۹/۳	٪۰/۷	

با توجه به جدول شماره ۹ نرخ ماندگاری دانش‌آموزان پایه اول متوسطه مدارس دولتی در حدود ۹۷ درصد بوده و نرخ ماندگاری مدارس غیرانتفاعی ۲/۷ درصد از مدارس دولتی بوده است. همچنین بیشترین نرخ ترک تحصیل ۴/۵ درصد بوده و به دانش‌آموزان پسر پایه اول مدارس دولتی اختصاص داشته است. آزمون نیز نشان داده است که در همه مقوله‌ها Z محاسبه شده در سطح

اطمینان ۹۵ درصد بیش از Z جدول (۱/۹۶) بیشتر بوده بنابراین میان نرخ ماندگاری (یا ترک تحصیل) مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود دارد. بر اساس جدول، نرخ ترک تحصیل مدارس دولتی بیش از مدارس غیرانتفاعی و نرخ ماندگاری مدارس دولتی کمتر از مدارس غیرانتفاعی بوده است.

فرضیه شماره ۱

میان سلامت روانی معلمان مدارس غیرانتفاعی و دولتی تفاوت وجود دارد.
در جدول زیر یافته‌های مربوط به این فرضیه ارائه شده است.

جدول ۱۰. میانگین و انحراف معیار نمرات سلامت روان معلمان

نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دولتی	۴۶	۱۹/۰۲	۱۰/۸۳
غیرانتفاعی	۲۸	۱۵/۲۱	۱۱/۵۶

بر اساس جدول شماره ۱۰ میانگین نمره سلامت روانی معلمان مدارس دولتی بیش از مدارس غیرانتفاعی است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون t مستقل مربوط به نمرات سلامت روان

تعداد	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها
۷۴	-۱/۴۲	۷۲	۰/۱۵	-۳/۸۰

بر اساس جدول شماره ۱۱، تفاوت معنادار میان نمرات سلامت عمومی روان معلمان مدارس غیرانتفاعی و دولتی وجود ندارد و فرضیه پژوهش تأیید نمی‌شود.

فرضیه شماره ۲

میان ویژگیهای شخصی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت وجود دارد.

در جدول شماره ۱۲ میانگین و انحراف معیار نمرات معلمان دو گروه از تست شخصیتی آیزینک ارائه شده است.

جدول ۱۲. میانگین و انحراف معیار ویژگیهای شخصی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی

نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دولتی	۴۶	۹۵/۹۱	۱۴/۵۳
غیرانتفاعی	۲۸	۹۳/۴۲	۱۲/۰۸

با توجه به جدول شماره ۱۲ میانگین ویژگیهای شخصی معلمان مدارس دولتی بالاتر از معلمان مدارس غیرانتفاعی است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون t مستقل مربوط به مقایسه ویژگیهای شخصی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی

تعداد	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگینها	خطای استاندارد تفاوتها
۷۴	-۰/۷۵	۷۲	۰/۴۵	-۲/۴۸	۳/۲۷

یافتههای جدول نشان می دهد که از نظر آماری تفاوت معنادار میان ویژگیهای شخصی معلمان مدارس غیرانتفاعی و دولتی وجود ندارد بنابراین فرضیه شماره ۲ رد می شود.

فرضیه شماره ۳

میزان رضایت دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی بیشتر از مدارس دولتی است.

در جدول شماره ۱۴ ابتدا یافتههای توصیفی مربوط به این فرضیه سپس آزمون t گنجانده شده است.

جدول ۱۴. میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت دانش‌آموزان از مدارس

نوع مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دولتی	۲۸	۳۶/۱۴	۹/۷۶
غیرانتفاعی	۴۸	۴۳/۱۴	۱۲/۷۸

با توجه به جدول شماره ۱۴ میانگین رضایت دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی بیش از مدارس دولتی است.

جدول ۱۵. آزمون t مستقل مربوط به مقایسه رضایت دانش‌آموزان**دولتی و غیرانتفاعی**

تعداد	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد تفاوت‌ها
۷۶	۲/۵۱	۷۴	۰/۰۱	۶/۵۱	۲/۷۹

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود با توجه به t محاسبه شده، میان میانگین رضایت دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی و دولتی تفاوت وجود دارد و دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی از مدارس خود، بیشتر رضایت دارند، بنابراین فرضیه شماره ۳ تأیید می‌شود.

یافته‌های کیفی

در این قسمت که از دو روش مشاهده و مصاحبه استفاده شده است. همکاران پژوهشگر پس از کسب مجوزهای لازم و جلب توافق مدیران در مدارس حضور یافتند و به مشاهده محیط مدرسه، شیوه تدریس معلمان در کلاس، مشاهده دانش‌آموزان در زنگ استراحت و مصاحبه با آن پرداختند. در زیر بعضی از نتایج مشاهده و مصاحبه در ارائه شده است:

۱. صبحگاه

الف) مدرسه دولتی: در حیاط مدرسه آپاشی شده بود. دانش‌آموزان بعضی با سرویس، بعضی پیاده و بعضی همراه والدین خود به مدرسه آمدند. بعضی از دانش‌آموزان مسئول برگزاری صبحگاه بودند و موضوع مورد توجه، ورزش صبحگاهی بود. شش دانش‌آموز به عنوان الگو شروع

به نرمش کردند. بعضی از دانش‌آموزان به اکراه و بعضی نیز همراه با کتاب خواندن، نرمش کردند. ورزش پنج دقیقه طول کشید.

ب) مدرسه غیرانتفاعی: بلندگو وجود نداشت. اول قرآن خواندند، پس از آن چند مطلب علمی، چند مطلب طنز آلود و چند مطلب فرهنگی بیان کردند. محتوا خوب بود، اما دانش‌آموزان آرام با هم صحبت می‌کردند. نکته قابل توجه در برگزاری صبحگاه مدرسه دولتی، ورزش صبحگاهی بود و در مدرسه غیرانتفاعی خواندن طنز. به نظر می‌رسد هر دو مدرسه تمایل دارند دانش‌آموزان با نشاط به سر کلاس بروند، اما دانش‌آموزان هیچ یک از دو مدرسه از این مراسم استقبال نمی‌کردند.

۲. برگزاری امتحانات

الف) مدرسه دولتی: هنگام برگزاری امتحان معلم یک بار سوالات را برای همه می‌خواند و توضیح می‌داد. معلمها خیلی کم به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ می‌دادند. دانش‌آموزان کمتر تقلب می‌کردند و محیط برگزاری امتحان ساکت بود و دانش‌آموزان می‌توانستند به آسودگی تمرکز کنند.

ب) مدرسه غیرانتفاعی: فاصله دانش‌آموزان در امتحان خیلی کم بود و با آسودگی تقلب می‌کردند. دانش‌آموزان خیلی زیاد سوال می‌پرسیدند و معلم به بیشتر سوالات آنها پاسخ می‌داد. بیشتر سؤالات دانش‌آموزان این بود که آیا درست پاسخ داده است؟ و اگر پاسخ درست نبود، معلم آنها را راهنمایی می‌کرد. معلم تنها اداره کننده امتحان بود. به طور کلی محیط امتحان خیلی نامناسب بود. به نظر می‌رسد که امتحانات در مدارس دولتی با دقت و سلامت بیشتر و جلسات امتحان منظم‌تر برگزار می‌شود.

۳. فضای آموزشی

الف) مدرسه دولتی: کلاسها کوچک و تنگ بود. بالای نیمکتها گیره لباسی وجود داشت. کولر و پنکه وجود نداشت. در هر کلاس در حدود ۳۰ دانش‌آموز وجود داشت. مدرسه دو نوبته بود و به همین دلیل جای نیمکتها مرتب عوض می‌شد. جای دانش‌آموزان تنگ بود و معلم فضایی برای قدم زدن نداشت. کلاس دارای تخته سیاه، ساعت دیواری، طراحیهای شاد و عکس رهبر و برنامه کلاسی بود.

ب) **مدرسه غیرانتفاعی:** فضای کلاس مانند فضای خانه بود نه مدرسه. مثلاً در کنار سالن شومینه، حمام، دستشویی و آشپزخانه وجود داشت. کلاس دارای صندلی‌های تک نفری بود و دیوار کلاس پر از کارهای هنری. کلاسها رنگ مناسب نداشتند و دانش‌آموزان از کلاس ناراحتی بودند. به نظر می‌رسد فضای کلاس و مدرسه دولتی مناسب‌تر از مدرسه غیرانتفاعی است.

۴. آزمایشگاه

الف) **مدرسه دولتی:** در مدرسه اتاق آزمایشگاه وجود ندارد و فقط وسایل و مواد آزمایشی مانند زنگ اخبار، قرقه کوچک و بزرگ، بالن در ۲ کمد گنجانده شده بود. همچنین مواد شیمیایی مثل اسید سولفوریک، کلریدریک و ... وجود داشت. هنگام آزمایش معلم وسایل آزمایش را سر کلاس می‌آورد و یک بار برای همه آزمایش را انجام می‌دهد. سپس دانش‌آموزان به گروه‌های ۶ نفری تقسیم می‌شوند و خودشان آزمایش را انجام می‌دهند.

ب) **مدرسه غیرانتفاعی:** در این مدرسه آزمایشگاه و وسایل آزمایش وجود ندارد، دانش‌آموزان را برای آزمایش به آزمایشگاه مرکزی برده می‌برند که دارای امکانات و وسایل مناسب است. مدرسه هر سال ۵۰۰۰۰ تومان برای آزمایش به آزمایشگاه مرکزی پرداخت می‌کند. به نظر می‌رسد درس‌هایی که نیاز به آزمایش دارند در مدارس غیرانتفاعی با کیفیت بهتر ارائه می‌شود. اما در مدارس دولتی هر چند امکانات کمی وجود دارد اما به دلیل در دسترس بودن در صورت لزوم همواره از آنها استفاده می‌شود.

۵. ورزش

الف) **مدرسه دولتی:** دانش‌آموزان ابتدا ۱۵ دقیقه نرمش می‌کنند، سپس از کمد ورزش توپ‌های بسکتبال، والیبال، تنیس و بدمیتون را می‌گیرند و به بازی مشغول می‌شوند. در کمد ورزش نشریه ورزشی و چند تحقیق مربوط به دانش‌آموزان موجود است. معلم هنگام ورزش ناظر بر دانش‌آموزان است و تذکر لازم را می‌دهد. بسکتبال دارای یک حلقه است و دانش‌آموزان دور آن جمع می‌شوند.

ب) ورزش در مدرسه غیرانتفاعی: حیاط مدرسه جایی برای ورزش ندارد، دانش‌آموزان در ساعت ورزش به سالن ورزشی می‌روند و به نظر می‌رسد، بسیار راضی هستند. به نظر می‌رسد در مدارس غیرانتفاعی درس ورزش به علت رفتن به سالن با کیفیت بهتر انجام می‌شود.

۶. ارتباط اولیا با مدرسه

الف) مدارس دولتی: «دعوت‌نامه‌های مجمع عمومی انجمن اولیا و مربیان به شکلی زیبا در برگه‌ای A4 تایپ شده و فهرست برنامه‌های آن به اطلاع اولیا رسیده بود. نخستین جلسه عمومی و انتخابات در یک سالن مناسب که متعلق به مدرسه نبود، برگزار شده بود. برنامه‌های سال جاری انجمن اولیا و مربیان در قالب ۶۴ برنامه همراه با تقویم اجرایی برحسب سه ماه اول و دوم ماشین شده بود. در برگه‌ای جداگانه نقش اولیا و مربیان از دیدگاه آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته بودند.

ب) مدرسه غیرانتفاعی: در این مدرسه خانواده‌ها با مدرسه ارتباط بسیار دارند و کارکنان مدرسه همه دانش‌آموزان را با نام کوچک می‌شناسند. والدین دو هفته یک بار یا به مدرسه سر می‌زنند یا تماس تلفنی می‌گیرند. به نظر می‌رسد در مدارس غیرانتفاعی مورد مطالعه، اولیا خودجوش‌تر سراغ دانش‌آموزان را می‌گیرند، اما در مدرسه دولتی اولیای بیشتر به شکل رسمی و از طریق دعوت‌های عمومی به مدرسه می‌روند، اما در مجموع تنوع و اقدامات انجمن اولیای مدرسه دولتی قابل مقایسه با مدرسه غیرانتفاعی نبوده و فعال‌تر عمل کرده است.

به طور کلی، می‌توان گفت که کیفیت فضای آموزشی، کتابخانه، صبحگاه، فعالیت انجمن اولیا و مربیان، برگزاری امتحانات در مدارس دولتی بهتر از مدارس غیرانتفاعی بوده است، اما کیفیت رابطه اولیا با مدرسه، کیفیت درس ورزش و آزمایشگاهها در مدرسه غیرانتفاعی از مدارس دولتی بهتر است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داده است میان ویژگی‌های روان‌شناختی و ویژگیهای فردی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود ندارد. در این پژوهش منظور از ویژگی‌های روان‌شناختی، سلامت روان بود که با آزمون سلامت عمومی روان سنجیده شد. نقطه برش این

آزمون ۲۱ است و افرادی که دارای نمره بالاتر از ۲۱ هستند، احتمالاً از یک بیماری روانی رنج می‌برند. یافته‌ها نشان داده میانگین نمرات معلمان مدارس دولتی در حدود ۱۹ است و تقریباً به ۲۱ نزدیک است، اما میانگین نمرات معلمان غیرانتفاعی ۱۵ است و با نمره ۲۱ فاصله زیادتر دارد. احتمال دارد که مدارس غیرانتفاعی از معلمانی استفاده می‌کنند که از سلامت روانی بیشتر برخوردارند همچنین ویژگیهای فردی معلمان دو نوع مدرسه نیز تفاوت نداشت. منظور از ویژگیهای فردی، صفاتی مانند درونگرایی، برونگرایی، اعتماد به نفس داشتن، آرامش و متانت، قانع بودن، انعطاف پذیری، ساده لوحی، تواضع، خودمختاری است. این یافته با یافته‌های پژوهش رضی (۱۳۷۳) همسوست. یکی از یافته‌های پژوهش رضی نشان داده است که برای بیان این مطلب که دبیران دبیرستان‌های غیرانتفاعی و دولتی با هم متفاوت هستند، شواهد کافی وجود ندارد. احتمالاً یکی از دلایل عدم تفاوت خاستگاه مشترک و سابقه مشابه افراد تدریس کننده در این مدارس است، زیرا اکثر معلمان مشغول به تدریس در این مدارس سیر استخدامی مشابهی را گذرانده‌اند و تفاوتی در گزینش آنها وجود نداشته است یا بعضی از معلمان دو مدرسه مشترک بوده‌اند.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش این است که میزان رضایت دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی بیشتر از مدارس دولتی بوده است. برای سنجش این تفاوت از پرسشنامه رضایت دانش‌آموز استفاده شده است. نتایج حاصل از این پرسشنامه نشان داده که دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی به کیفیت تدریس، نحوه اداره مدرسه، کمک در کسب موفقیت تحصیلی، کیفیت فضای ظاهری، نحوه برنامه‌ریزی، نحوه برگزاری امتحان نمره بالاتر داده‌اند و بیشتر رضایت دارند. یافته این پژوهش با پژوهش اسکالر (۱۹۷۹)، رضی (۱۳۷۳)، جهان تیفی و همکاران (۱۳۷۴) همسوست.

در زمینه مورد شاخص‌های آموزش در بعضی موارد شواهدی برای مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهشها یافته نشده است مثلاً درباره نرخ ثبت‌نام و نرخ ماندگاری شواهدی برای مقایسه مشاهده نشده است. درباره تفاوت عملکرد مدارس غیرانتفاعی و دولتی در نرخ‌های قبولی و مردودی همان‌گونه که در یافته‌ها آمده، نرخ قبولی در مدارس غیرانتفاعی بیشتر از مدارس دولتی بوده است و با یافته‌های جهان تیفی (۱۳۷۴)، کفاش (۱۳۷۶)، رضی (۱۳۷۳)، لازمی بیلی و بنگ شان (۲۰۰۳) میلر و مور (۱۹۹۱)، هانوری (۱۹۹۱)، سیوبردیک (۱۹۹۸)، همخوانی دارد. این محققان به نتایجی مشابه این پژوهش دست یافته‌اند که عملکرد آموزشی مدارس غیرانتفاعی از مدارس دولتی بهتر است. همچنین یافته‌های این پژوهش متفاوت یافته هتا (۱۹۹۱) در کاناداست.

هتا در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که پیشرفت تحصیلی مدارس دولتی و غیر دولتی از هم متفاوت نیست.

همچنین در بخش کیفی پژوهش یافته‌ها نشان داده که فضای فیزیکی مدارس دولتی بزرگتر و مناسب‌تر از مدارس غیرانتفاعی است که با یافته کفاش (۱۳۷۶) متفاوت است. کفاش در پژوهش خود نتیجه گرفته است که از نظر آماری میان فضاهای آموزشی و پرورشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنا دار وجود ندارد.

درباره درس تربیت بدنی دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی به سبب استفاده از سالن از رضایت بیشتر برخوردار بودند که با یافته‌های پژوهش عرب مومنی (۱۳۸۳) همسو است. عرب مومنی دریافته است که در اجرای درس تربیت بدنی مدارس غیرانتفاعی در مقایسه با مدارس دولتی از وضعیت مطلوب‌تر برخوردارند.

در زمینه امکانات آزمایشگاهی، هر چند مدارس غیرانتفاعی فاقد وسایل آزمایش بودند، اما به دلیل استفاده از آزمایشگاه مرکزی رضایت دانش‌آموزان را بیشتر صلب کرده بودند و این با نتایج پژوهش منتصری (۱۳۷۴) متفاوت است.

در زمینه کتابخانه، وضعیت مدارس دولتی بسیار مناسب‌تر از مدارس غیرانتفاعی است و این با یافته‌های منتصری (۱۳۷۴) همسو و با یافته جلالی (۱۳۷۶) متفاوت است.

در مشاهده برگزاری امتحانات در مقطع متوسطه بیان شده که تقلب در مدارس غیرانتفاعی زیاد صورت می‌گیرد و این همخوانی دارد با آنچه قاسمی‌پوپا (۱۳۸۰) درباره موافقان و مخالفان مدارس دولتی و غیرانتفاعی بیان کرده است. قاسمی‌پوپا نقل می‌کند که در برخی از مدارس غیرانتفاعی به منظور جلب بیشتر و نگهداشت دانش‌آموزان، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به درستی انجام نمی‌شود و قبولی در این مدارس با مسامحه و اغماض غیرعلمی صورت می‌گیرد.

به طور کلی، قضاوت درباره عملکرد مدارس دولتی و غیرانتفاعی کاری دشوار است. نتایج تحقیقات هم تا حدودی با هم متناقض است. در بعضی پژوهش‌ها همواره عملکرد آموزشی مدارس غیرانتفاعی مطلوب‌تر از مدارس دولتی بوده و در موارد کمی هم این تفاوت معنادار نبوده است.

در بعد پرورشی هم تناقض در یافته‌های پژوهشی بسیار زیاد است. این تفاوت‌ها ممکن است به عوامل گوناگون ارتباط داشته باشند:

نخست وجود متغیرهای تعدیل‌کننده و مداخله‌گر و مزاحم است. برای مثال در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عواملی مانند وضعیت اقتصادی خانواده، تحصیلات والدین، تغذیه مناسب، وجود امکانات آموزشی مطلوب، هوش و عوامل دیگر دخالت دارند که مشکل می‌توان تشخیص داد علت برتری پیشرفت تحصیلی مربوط به تأثیر مدارس غیرانتفاعی است یا عوامل ذکر شده.

دوم میان خود مدارس غیرانتفاعی نیز از نظر امکانات و عوامل آموزشی تفاوت بسیار وجود دارد، به شکلی که بعضی از مدارس غیرانتفاعی دارای معلمان بسیار مجرب، ساختمان مجهز و معروفیت زیاد هستند، در صورتی که در بعضی از این مدارس دارای مشکلات مالی فراوان و فضای آموزشی بسیار نامناسب هستند که این تفاوت‌ها ممکن است در مجموع عملکرد مدارس غیرانتفاعی را تحت‌الشعاع قرار دهد. در هر صورت لازم است تحقیقات بسیار صورت گیرد تا این تفاوت‌ها به نحوه صحیح‌تر مشخص شوند.

پیشنهادات

۱. از آنجایی که میان ویژگی‌های شخصیتی و روانی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنادار وجود نداشت، پیشنهاد می‌شود مدارس دولتی شرایطی را فراهم کنند که معلمان در آن مدارس نیز همان کارایی را داشته باشند.
۲. رضایت دانش‌آموزان مدارس دولتی کمتر از مدارس غیرانتفاعی است. به مدیران این مدارس پیشنهاد می‌شود که عوامل ایجاد نارضایتی را بشناسند و آن را تعدیل کنند.
۳. در مدارس غیرانتفاعی کتابخانه وجود نداشت یا بسیار محدود بود. پیشنهاد می‌شود بر ایجاد کتابخانه در مدارس تأکید شود و نظارت‌های لازم در این زمینه صورت گیرد.
۴. یافته‌های پژوهش نشان دادند که فضای فیزیکی مدارس غیرانتفاعی اکثراً غیراستاندارد است و بیشتر در منازل مسکونی است که تغییر کاربری داده شده‌اند. پیشنهاد می‌شود استانداردهای متناسب برای این مدارس تعریف و بر اجرای آنها تأکید شود.

۵. با توجه به یافته‌های تحقیق مبنی بر عدم نظارت کامل به هنگام امتحانات، پیشنهاد می‌شود سازمان آموزش و پرورش در فصل امتحانات نظارت بیشتر در برگزاری آزمون داشته باشد.
۶. با توجه به نرخ پایین ثبت‌نام در مدارس غیرانتفاعی به ویژه در مقطع ابتدایی و سیاست دولت بر گسترش مدارس غیرانتفاعی پیشنهاد می‌شود با ارائه راهکارهایی زمینه استقبال بیشتر مردم از مدارس غیرانتفاعی به ویژه در مقطع ابتدایی فراهم شود.
۷. باتوجه به نرخ بالای مردودی در مقطع متوسطه که نزدیک ۳۰ درصد است، پیشنهاد می‌شود مدارس دولتی به منظور کاهش مردودی، برنامه‌هایی مناسب را طراحی و اجرا کنند.

منابع

- برنجی، م (۱۳۶۷). مدارس غیرانتفاعی کمکی به توسعه آموزش و پرورش، فصل‌نامه تعلیم و تربیت سال چهارم شماره ۳ و ۴. ۱۳۶۷.
- جهان تیفی، م، رقیبی، م و مهنا، م (۱۳۷۴). نقش مدارس غیرانتفاعی در آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان.
- حاضری، ع (۱۳۷۷). مدارس غیرانتفاعی و تحرک اجتماعی: با تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حج فروش، ا و وثوق، ا (۱۳۷۴). بررسی وضعیت مشاغل اولیای دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی کشور و میزان شهریه‌های دریافتی برای هر گروه شغلی (سال تحصیلی ۷۴-۷۳). فصل‌نامه فرهنگ مشارکت. بهار و تابستان ۷۴. شماره‌های ۳ و ۴. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- حیدری، م (۱۳۷۶). بررسی تطبیقی کارآمدی سازمانی مدارس غیرانتفاعی و دولتی دوره متوسطه شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- خانقاهی، ف (۱۳۷۶). بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه خود، عملکرد تحصیلی آنان و رابطه بین این دو در مدارس دولتی، نمونه مردمی و غیرانتفاعی دبیرستان‌های دخترانه شهرستان ارومیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس.
- دلاور، ع (۱۳۸۲). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد
- شریفی، ف (۱۳۷۱). مدرسه غیرانتفاعی: انگیزه‌ها و عملکرد. ماهنامه زنان، مرداد ۷۱.
- عباس زاده، س. م (۱۳۷۹). مقایسه اثربخشی مدارس دولتی با مدارس غیرانتفاعی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد شماره اول و دوم.

- عرب مومنی. ا (۱۳۸۳). بررسی مقایسه وضعیت و چگونگی اجرای درس تربیت بدنی در مدارس دولتی و غیرانتفاعی دوره ابتدای شهر اصفهان. طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش اصفهان.
- قاسمی پویا، ا (۱۳۸۰). مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت- واحد انتشارات.
- کمرزین، ح (۱۳۷۳) مطالعه‌ای پیرامون عزت نفس و عملکرد تحصیلی گروهی از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهرستان دزفول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی.
- گل پرور، م (۱۳۸۲) بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان. طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش اصفهان.
- منتصری، غ (۱۳۷۴). بررسی نظرات اولیای دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی در مورد عملکرد مدیریت معلمان و مربیان، امکانات و تجهیزات.
- یزدان‌پناه، ق (۱۳۷۷). نگاهی دوباره به عملکرد مدارس غیرانتفاعی، فصلنامه فرهنگ مشارکت. تابستان ۷۷، شماره ۱۶، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

Brighthouse, H (2001). Reform the private School. New statement jan 8. 2001; 638. P. 20.

Fairly, R, W (2002). Private schools and lation flight from black school children. Demography: Now 2002; 39, 4. Pp 655-674

Friedkin, N.E., & Thomas, S.I (1997). Social positions in schooling. Sociology of Education; 70, 4:pp 239-255.

Hodge, M (1997). We need our public school. New statement: now 14, 4 , 7, .p 12.

Lassibille, G., & Penjtan, J (2003). Student learning in Public and private primary School in madajacor. Economic devlopment and cultural change. 51, pp 699-717.

Pring, R (1987). privatization in education, Journal Educational Policy. Vol 2. No 4. P 89-299.

Winkler , D., Gershberg, A.I. (2000). Education decentralization in latin America: The effects on the quality of schooling. LCSHP paper series no. 59 (world bank, washington, D.C., 2000)